

سیدهاشم بنی هاشمی
از با سابقه ترین
نیروهای جهاد و
مجری پروژه بزرگ
پل بعثت در دوران
جنگ است.



روحیه جهادی

شاخصه های جهاد سازندگی در گفتگو با
مهندس بنی هاشمی

حضرت امام در پیامشان برای تشکیل جهاد فرمودند بروید از محروم ترین نقاط شروع کنید. فعالیت در محروم ترین مناطق نیازمند ویژگی های خاصی است که جهاد سازندگی در ابتدای انقلاب بر همین اساس پایه ریزی شد. یکی از این ویژگی ها انگیزه و فداکاری است؛ همان فداکاری که بعضی ها را او می داشت و سایل مغازه شان را هم بیاروند و باری از روی دوش انقلاب بردارند. با همین روحیه بود که بعضی ها حاضر نبودند بعد از شش ماه فعالیت در جهاد حقوق بگیرند و اگر پولی به اسم کمک هزینه به آن ها داده می شد تعجب کنند که مگر می شود در جهاد هم پول گرفت؟

بچه های جهاد اهل ایستادن و تماشا کردن نبودند. تا کاری را تمام نمی کردند و مشکل را حل نمی کردند از پا نمی نشستند. هر مشکلی که می خواست باشد؛ آب، برق، راه سازی، کشاورزی، بهداشت، عمران و ...

برای این روحیه بن بست معنا نداشت. هر جا محدودیت داشت، خودش تولید می کرد. مثل بسیاری از تیغه های دروگرها و کمباین ها که خودمان دست به تولیدش زدیم، یا ریخته گری مواد اولیه نارنجک ها که در کارگاه های آهنگری انجام می دادیم، یا ساخت تانک هایی که بتواند روی شن حرکت کند و خیلی نمونه های دیگر.

ویژگی دیگر این بچه ها استفاده از نیرو و توان مردمی بود که جهاد را در طوفان مشکلات و نبود امکانات پیش برد. چرا که کار در این مناطق به تنهایی جواب نمی داد. استفاده از نیروی مردمی از طرح های اشتباه هم جلوگیری می کرد. نیروی بومی بهتر می دانست منطقه اش چه چیزهایی نیاز دارد تا افراد مسئول را در این زمینه راهنمایی کند. و دیگر نمی شد مثل آن روستایی که قبل از انقلاب برایشان حمام درست کرده بودند و آن ها هم آن را تبدیل به طویله کرده بودند؛ چون اصلاً از آن ها نپرسیده بودند نیاز شما چیست.

حرکت در این مسیر ویژگی دیگری هم نیاز داشت؛ فرهنگی بودن. بر همین اساس پایگاه جهاد، مسجد بود و مواجهه با مردم در آنجا انجام می شد. این شاخصه پیام های عملی هم داشت و به نوعی به تبیین و تحکیم مبانی انقلاب هم می انجامید. چرا که فعالیت بچه های جهاد از یک طرف نشان دهنده اهمیت مستضعفین و روستائیان برای انقلاب و کشور بود و از طرفی نشان دهنده کم کاری رژیم سابق در رسیدگی به نیازهای اولیه توده های محروم مردم.

بعضی ها حاضر نبودند بعد از شش ماه فعالیت در جهاد حقوق بگیرند و اگر پولی به اسم کمک هزینه به آن ها داده می شد تعجب کنند که مگر می شود در جهاد هم پول گرفت؟

70

فرهنگی

مردم با صد مینی بوس عازم
«گندم درو» می شدند

پنج صبح، میدان شهدا

حسن سلطانی

گل محمد گریوانی قبل از تشکیل جهاد همراه گروهی از دوستانش به کارهای فرهنگی تبلیغی مشغول بوده است و بعد از فرمان امام برای تشکیل جهاد، به حلقه دوستانش در جهاد خراسان می پیوندد و می شود کارشناس کشاورزی جهاد.



توزیع بذر با دادداشت

بیشتر هم و غم ما در جهاد تأمین نیازهای کشاورزی روستائیان بود. مثلاً تعداد زیادی از کشاورزان اطراف مشهد مراجعه می کردند و می گفتند می خواهیم حیوانات بکاریم اما به اندازه کافی بذر نداریم یا اصلاً نداریم. ما هم انبار و امکانات آن چنانی نداشتیم، در نتیجه از خود مردم کمک می گرفتیم. برای همین مسئله چند خوار و بار فروشی را شناسایی کرده بودیم و روستائیان را با یک یادداشت به آنجا می فرستادیم. هر هفته هم یکی را می فرستادیم تا پول بذرها را با خوار و بار فروشی حساب کند. یکی دیگر از نیازهای روستائیان در بهار و تابستان، سموم مختلف گیاهی بود برای مبارزه با آفات نباتی در باغ ها. از آنجا که در بازار سموم نباتی گران و یا کمیاب بود سعی می کردیم خودمان مستقیماً از شرکت های تولید کننده تهیه کنیم و بین کشاورزان تقسیم کنیم. البته عده ای هم شیوه استفاده از این کودها را آموزش می دادند. به مرور این کودها را به شهرستان های دیگر هم فرستادیم.

تغییر به تناسب نیاز

با توجه به نیازهایی که پیش می آمد ساز و کارهای جهاد هم تغییر می کرد. بعضی جاها که به خاطر فاصله زمانی زیاد و سطح وسیع زیر کشت نمی شد مردم را از شهر بسیج کرد و برد، نیاز به ابزار آلات مکانیزه برای برداشت وجود آمد. مثل دروگرهای دو چرخ و چهار چرخ و کمباین. این دروگرها را در اختیار جهاد شهرستان ها قرار می دادیم. آن ها هم آن را با راننده ای به روستاهایی که از لحاظ مالی ضعیف بودند می فرستادند. دروگرها را کم کم به خود روستائیان واگذار کردیم و آنها را پشتیبانی

هنوز هوا تاریک بود که مردم می آمدند. زن و مرد، پیر و جوان همه می آمدند. منحصر به قشر خاصی نبود. تا زمانی که امکانات داشتیم و می توانستیم اعزام انجام می شد. بعضی جاها تا 100 - 150 مینی بوس و اتوبوس اعزام می شد

مسیری طولانی را از خانه تا آنجا آمده بودند، چون آن وقت صبح ماشین و اتوبوس نبود. آمدن تا آنجا را یک وظیفه شرعی می دانستند. گاهی هم مدارس درخواست می دادند که مثلاً پنج ماشین می خواهیم. بچه های جهاد هم در قالب همین گروه ها می آمدند. حتی مدیران شورای جهاد با همان اتوبوس و مینی بوسی که مردم را می برد راهی منطقه می شدند. گاهی ما هم متوجه نمی شدیم که مدیر شورای مرکزی یا شورای هماهنگی جهاد در فلان اتوبوس است.

اعلام آمادگی از طریق پیامک 3000134141

رایانامه farhangi@khorasannews.com

خطرات و عکس های خود از فعالیت های جهادی آغاز انقلاب را برای ما ارسال کنید.